

بسمه تعالی
نهضت آزادی ایران
تاسیس ۱۳۴۰

نامه به دادستان انقلاب اسلامی در مورد مصاحبه ایشان با
خبرگزاری جمهوری اسلامی

شماره: ۱۴۲۹

تاریخ: ۱۳۷۰/۷/۲۷

علی (ع) - دعای کمیل

حجت‌الاسلام جناب آقای رئیسی

دادستان انقلاب اسلامی تهران

با سلام و آرزوی توفیق در کسب رضای حق، جنابعالی در مصاحبه‌ای با خبرگزاری جمهوری اسلامی که متن آن در اکثر روزنامه‌ها منتشر گردید، و به شرحی که در روزنامه کیهان مورخ ۷۰/۷/۱ و سایر روزنامه‌ها آمده است، در مورد جمعی از اعضای نهضت آزادی ایران و جمعیت دفاع از آزادی و حاکمیت ملت ایران که در بازداشت به سر می‌برند، مطالبی بر خلاف واقعیت و مقررات قوانین دادرسی و باعث سلب آبرو و اعتبار قوه قضائیه جمهوری اسلامی ایران اظهار نموده‌اید که موجب تعجب بسیار و طرح سئوالات متعدد گردیده است. ذیلاً برخی از موارد خلاف واقعیت یا سئوال‌انگیز را یادآور می‌شویم:

۱- زندانیان مورد بحث نه نفرند و نه هشت نفر و عبارتند از آقایان مهندس عبدالعلی بازرگان (و نه بازرگانی) مهندس هاشم صباغیان، مهندس محمد توسلی (نه مهدی توسلی)، خسرو منصوریان، علی اردلان، دکتر حبیب داوران، اکبر زرینه‌باف (و نه زرینه)، مهندس نظام‌الدین (محمد رضا) موحد و ابوالفضل میرشمس شهبهانی (نه میر شهبهانی).

معلوم نیست که به چه دلیل گزارش و مصاحبه جنابعالی با چنین بی‌دقتی تنظیم گردیده است که اولاً برخی از اسامی اشتباه ذکر شده است و ثانیاً نام آقای خسرو منصوریان حذف گردیده است.

۲- تعداد اولیه دستگیرشدگان ۱۵ تن نبود، بلکه جمعا ۲۳ نفر در چند مرحله در تهران و شهرستانها بازداشت شده بودند.

۳- برخلاف آنچه از قول جنابعالی درج شده بود ۹ نفر زندانی باقیمانده که محاکمه شده‌اند همگی عضو نهضت آزادی ایران نیستند بلکه تنها چهار نفر یعنی آقایان مهندس محمد توسلی، مهندس هاشم صباغیان، خسرو منصوریان و مهندس عبدالعلی بازرگان عضو نهضت آزادی می‌باشند. چنین اشتباه و بی‌دقتی در بیان تعداد و اسامی زندانیان و عضویت آنان در نهضت آزادی خود بحث‌انگیز است.

۴- بر خلاف بیان جنابعالی محکومیت نه نفر زندانی مورد اشاره قطعی نشده است، زیرا همه آنان نسبت به احکام صادره از سوی دادگاههای انقلاب اعتراض کرده‌اند که موضوع به دیوان عالی کشور ارجاع گردیده و هنوز قطعیت پیدا نکرده است.

۵- جنابعالی اتهام کلی این آقایان را که موجب بازداشت و محاکمه آنان شده است «شرکت در اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور» ذکر کرده‌اید ولی خوشبختانه هیچیک از توضیحاتی که در تشریح این اتهامات در بند ۵ بیان نموده‌اید از مصادیق اتهام کلی نمی‌باشد. توضیحات جنابعالی در بند مذکور خود نشان می‌دهد که رسیدگی به اتهامات وارده در صلاحیت دادرها و دادگاههای انقلاب نیست و بر طبق قانون می‌بایستی موارد مذکور به عنوان اتهامات سیاسی در دادگاههای عادی با حضور هیات منصفه مورد رسیدگی قرار گیرد.

علاوه بر این، در حالی که محور اصلی اتهامات در کیفرخواستها و سئوالات رئیس دادگاه و آراء صادره امضای نامه سرگشاده به ریاست جمهوری است معلوم نیست که چرا و چگونه این نکته اساسی در مصاحبه مطبوعاتی به کلی از قلم افتاده و یا نادیده گرفته شده است.

و اما در مورد اتهاماتی که مشروحاً در ۵ بند عنوان نموده‌اید، اولاً چه در این مصاحبه و چه در کیفرخواستهای صادره علیه این آقایان صرفاً به کلی گوئی اکتفا شده و حتی یک نمونه از موارد اتهام ذکر نگردیده است. مثلاً ادعاهای «همسوئی با دشمنان خارجی ... ارتباط با رادیوهای بیگانه» مطرح شده است ولی نمونه و مصداقی از این همسوئی و ارتباط ادعائی بیان نگردیده است تا معلوم شود

که منظور چیست. به علاوه، به استناد کدام ماده قانونی اگر فردی یا گروهی سخنی را اظهار کند که همان را رادیوها یا منابع خبری خارجی هم مطرح کنند این جرم تلقی می‌شود؟ در بسیاری از موارد، مواضعی که مسئولان کشور در مصاحبه‌ها و سخنرانیهای خود بیان می‌کنند هماهنگ با مطالبی است که مقامات کشورهای بیگانه نیز مطرح می‌سازند. به عنوان مثال، رئیس محترم قوه قضائیه در خطبه نماز جمعه اظهار می‌کنند که اقرار و اعترافات متهمان در زندان، خواه از روی میل و خواه تحت فشار و شکنجه، معتبر نمی‌باشد، متهمان بر طبق قانون اساسی حق انتخاب وکیل دارند، دادگاهها باید علنی باشند و حال اگر سازمان عفو بین‌الملل یا کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد یا رادیوهای بیگانه نیز همین مسائل را عنوان کنند و همسوئی طبیعی پیش آید آیا این جرم تلقی می‌شود؟ این منطق ریشه در کجا دارد؟ آیا از قرآن کریم و سیره رسول خدا(ص) و ائمه معصومین (ع) استنباط شده است؟ اگر بزعم شما چنین است برهانتان را عرضه کنید تا در معرض قضاوت مردم قرار گیرد.

ثانیاً چه مطالب را این زندانیان مظلوم عنوان کرده‌اند که موجب «تخریب و تضعیف روحیه مردم و بی‌اعتماد کردن آنان به نظام جمهوری اسلامی» گردیده است؟ بیان جنابعالی حاکی از آن است که تخریب و تضعیف روحیه مردم و بی‌اعتماد شدن آنان به نظام جمهوری اسلامی قطعی است و به آن معترفید ولی آن را حاصل فعالیت سیاسی این زندانیان دانسته‌اید.

آیا واقعاً بی‌اعتمادی مردم نسبت به حاکمیت و تضعیف روحیه آنان و یا اوجگیری نارضایتی مردم معلول ارسال نامه سرگشاده به رئیس جمهوری و بیان مشکلات مردم و درخواست اجرای قانون اساسی بوده و قبل از ارسال آن نامه وجود نداشته است و یا به دلیل عملکرد حاکمیت در طول سالهای بعد از پیروزی انقلاب اسلامی است؟ آیا این گرانی سرسام‌آور، تنگی معیشت، دوگانگی‌های فراوان و چشمگیر در رفتارهای مسئولان، حیف و میل اموال عمومی، سوء استفاده از امکانات دولتی، زیر پا گذاشتن اصول مصرح در قانون اساسی و سایر قوانین موضوعه نیست که مردم را به وضع کنونی کشانده است؟ چرا نمی‌خواهید عوامل اصلی را مطرح کنید؟ مطمئناً جنابعالی گزارشهای سازمان بازرسی کل کشور مبنی بر سوء استفاده‌های کلان مقامات و بی‌اعتنائی‌های آنان به قوانین و نیز آمارهای رسمی سازمانهای دولتی در مورد صعود هزینه‌های زندگی و سخنان اعتراض‌آمیز اعضای مجلس شورا در

نطقهای قبل از دستور را مطالعه نموده‌اید. آیا انتشار این آمارها، گزارشها و سخنان موجب یاس مردم شده است و یا آن انحرافات، سوء استفاده‌ها، دوروییها و ریاکاریها؟

این چه منطقی است که بر جو سیاسی جمهوری اسلامی و بر زبان دادستانی انقلاب حاکم شده است که هرکس، خواه نماینده مجلس یا یک شهروند عادی، از عملکردهای حاکمیت انتقاد کند و به وظیفه دینی امر به معروف و نهی از منکر عمل نماید، هواداران و بهره‌مندان از حاکمیت فوراً فریاد «وا اسلاما» و «نظام تضعیف شد» سر می‌دهند؟

کسانی که دارای این طرز تفکرند و اینگونه واکنش نشان می‌دهند در واقع چنین تبلیغ می‌کنند که نظام جمهوری اسلامی آن قدر ضعیف و ناتوان است که با یک انتقاد و یک نامه سرگشاده به ریاست جمهوری تضعیف می‌شود! و یا بر این باورند که رابطه مردم با انقلاب و نظام تا آن حد آسیب‌پذیر شده است که اینگونه انتقادات سبب بی‌اعتماد کردن مردم به نظام می‌گردد، در حالی که بر عکس، اجرای قانون اساسی، تحمل انتقادات و داشتن سعه صدر در برابر گروهها و شخصیتهای سیاسی مخالف حاکمیت موجب افزایش اعتماد مردم به مجموعه نظام خواهد شد.

به راستی اگر شما و برخی دیگر از مسئولان مملکت در زمان خلافت امیرالمومنین علی (ع) در مسجد کوفه حضور داشتید و رفتار خوارج و مخالفین آن امام معصوم و منتخب واقعی مردم را می‌دید چه می‌کردید؟ آیا نخوانده‌اید که آن بزرگوار به اصحابش توصیه کرد که تا زمانی که مخالفان دست به شمشیر نبرده‌اند کسی مزاحمشان نشود؟ آیا حکومت مدعی پیروی از علی (ع) نباید به شیوه آن حضرت اقتدا کند؟

جنابعالی در بندهای ۴ و ۵ مصاحبه خود از جمله اتهامات این زندانیان را نشر اکاذیب و شایعه پراکنی بیان کرده‌اید، اما باز هم نمونه‌ای از این اکاذیب یا شایعات ادعائی را ذکر ننموده‌اید. در کیفرخواست هم نمونه و مدرکی نیامده است.

۶- گفته‌اید که محاکمه شدگان درخواست وکیل نکرده بودند، اما خود اعتراف کرده‌اید که کیفرخواست را فقط چند روز قبل از محاکمه برای مطالعه به آنان داده‌اید؟ آیا فرصت! برای مطالعه پرونده و درخواست وکیل به آنان داده شده بود؟ تازه به فرض آنکه متهمان بنا به دلایل و محظوراتی

تقاضای وکیل نکرده باشند مگر قانون اساسی در اصل سی و پنجم مقرر نمی‌دارد که دادگاه باید برای متهمان امکانات تعیین وکیل را فراهم نماید؟

۷- خانواده‌های این زندانیان و همه مردم علاقه‌مند می‌پرسند که چرا کیفرخواست‌های صادره علیه این زندانیان منتشر نشده است؟ چرا دادگاه‌های آنان سری و محرمانه بوده است؟ چرا مشروح مذاکرات و مطالب مطرح شده در دادگاه برای اطلاع عموم منتشر نمی‌گردد؟ و بالاخره، چرا متن کامل احکام صادره منتشر نشده است؟

۸- منظور شما از حضور «افراد معتمد» در دادگاه چه کسانی است؟ آیا این عدل اسلامی است که افرادی را به اتهامات واهی در دادگاه‌های در بسته محاکمه کنید و فقط چند نفر از افراد معتمد خودتان - احتمالاً از اعضای دستگاه‌های امنیتی و اطلاعاتی - حضور داشته باشند و حتی به خانواده زندانیان حق حضور داده نشود تا بدانند که همسران یا سرپرستانشان به چه اتهامی محاکمه و محکوم شده‌اند؟

۹- آیا به راستی متهمین فقط «چند روز» در سلول‌های انفرادی بوده‌اند؟ آیا ممکن است برای اطلاع عموم صریحاً اعلام کنید که متهمین از زمان دستگیری و بازداشت در زندان توحید تا هنگام انتقال به زندان اوین چه مدت و به چه صورت نگهداری شده‌اند؟

در سال گذشته نماینده ویژه سازمان ملل متحد برای بررسی حقوق بشر در ایران در راس هیاتی به دعوت دولت ایران از کشورمان بازدید کرد. هیات مذکور در مدت ماموریت خود با تعدادی از زندانیان مورد بحث دیدار و مصاحبه کرده و خلاصه نتایج ماموریت را در گزارش رسمی منتشره منعکس نموده است. در آن گزارش از جمله آمده است که متهمین ماهها در سلول‌های انفرادی بوده و بعضاً شکنجه نیز شده‌اند. مقامات مسئول این اتهامات را رد نکردند، بلکه در پاسخ‌های کلی خود به نماینده ویژه صرفاً به وجود برخی تعارضات بین مبانی حقوق بشر در اسلام و منشور جهانی حقوق بشر اکتفا نمودند.

۱۰- جنابعالی در مصاحبه خود به اعترافات اخذ شده از این زندانیان اشاره کرده و ادعا نموده‌اید که این افراد به دلیل برخوردهای اسلامی و انسانی و تحت آزادی اندیشه و جدائی از تبلیغات سایر گروه‌ها به این اعترافات دست زده‌اند.

اولاً آیا ممکن است درباره این «برخوردهای اسلامی و انسانی» توضیحاتی بدهید و روشن سازید که چرا این برخوردها در هنگام آزادی افراد امکان‌پذیر و کارساز نیست؟ این چه نوع برخورد اسلامی انسانی است که تنها در زندانهای انفرادی قابل اجراء و کارساز می‌باشد؟

ثانیاً درست است که زندانیان در سلولهای انفرادی از تبلیغات سایر گروهها جدا می‌شوند اما وقتی که شما این جدائی را یکی از علل اعتراف و اقرار ذکر می‌کنید به این معنا نیست که برخوردهای اسلامی انسانی شما تنها زمانی مفید و موثر واقع می‌شود که در شرایط زندان و هنگامی که همه چیز در انحصار و تحت کنترل خودتان باشد، صورت گیرد و اگر افراد همزمان در معرض تبلیغات شما و سایر گروهها باشند شما بازنده خواهید بود؟ به راستی چرا؟

جناب آقای دادستان، آیا واقعاً تصور می‌کنید مردمی که متن مصاحبه شما را در جراید خوانده‌اند سخنانتان را باور کرده‌اند؟

ثالثاً جنابعالی قاعدتاً می‌بایستی با احادیث معتبر شیعه آشنا باشید و قطعاً خواننده یا شنیده‌اید که اعتراف و اقرار متهم در زندان معتبر نیست؟ گر چه ما این مطلب را در نامه‌ها و بیانیه‌های قبلی خود مکرراً توضیح داده‌ایم معذک برای تذکر و اطلاع، مجدداً تعدادی از این احادیث را ذیلاً نقل می‌کنیم.

الف- از ابی عبدالله (ع): امیرالمومنین علی (ع) فرمود «

« . (الوسائل، باب ۷)

ب- از علی (ع): « . (از کتاب

الحدود، فصل ۵)

ج - از علی (ع): از رسول خدا (ص) شنیدیم که فرمود: «

« .. (مسند زید - کتاب الحدود)

د - ابو عبدالله (ع) فرمود: «

(الجعفریات)

با این معنا و مفهوم کلی که: کسی که در زندان یا به زور یا تهدید یا کتک اقرار به جرمی کند، اعترافش ارزشی ندارد و نمی‌توان درباره او مجازاتی اعمال کرد.

بر اساس همین منطق قضائی است که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل سی‌وهشتم اینگونه اعترافات و اقرار را بی‌اعتبار دانسته است و ریاست محترم قوه قضائیه نیز در یکی از خطبه‌های نماز جمعه مردود بودن آنها را اعلام کردند.

متأسفانه جنابعالی نه تنها این احادیث معتبر، اصول قانون اساسی و نظر صریح رئیس قوه قضائیه را در مورد عدم استناد به اعتراف و اقرار متهم در زندان نادیده گرفته‌اید بلکه تهدید کرده‌اید که اعترافات ضبط شده متهمین در موقع مقتضی منتشر خواهد شد. بدیهی است که این عمل و اقدام صرف نظر از اینکه خلاف شرع و قانون است نتیجه مثبت و مفیدی برای حاکمیت در بر نخواهد داشت و برعکس، باعث آبرو ریزی و هتک حیثیت قوه قضائیه و حاکمیت خواهد شد، کما اینکه نه پخش قسمتی از «اعترافات» ادعائی در نمایشگاه سیاست و امنیت و نه انتشار ترجمه انگلیسی آنها در برخی از جراید تهران و یا در کیهان بین‌المللی سودی برایتان داشته است. خوانندگان این گونه متون، و خصوصاً خارجیان، بدون تردید با نمونه فراوانی از این نوع به اصطلاح اعترافات در کشورهای دیگر آشنا هستند و به ماهیت آنها کاملاً واقف می‌باشند.

۱۱- و اما در مورد قانونی بودن یا نبودن احزاب و جمعیتها نیز جنابعالی قانون احزاب را نادیده گرفته‌اید. بر طبق قانون مذکور، دادستانی انقلاب هیچ محلی از اعراب ندارد. بنابراین روابط عمومی دادستانی انقلاب حق اعلام چنین مطالبی را نداشته است و ندارد.

قانون احزاب که شما به آن استناد نموده‌اید مقرر می‌دارد که متقاضیان باید مدارک خود را به وزارت کشور تسلیم کنند و این بر عهده کمیسیون ماده ۱۰ قانون احزاب است که رسیدگی و اظهارنظر نماید.

وزیر کشور وقت، در زمان اعلام اجرای قانون احزاب، تصریح نمود که گروههای سیاسی و احزابی که قبل از آن تاریخ فعالیت داشته‌اند به فعالیت خود ادامه خواهند داد و تنها می‌بایستی خود را با مقررات جدید تطبیق دهند. بدیهی است در صورتی که ادامه فعالیت یک جمعیت یا گروه سیاسی غیرقانونی می‌بود وزارت کشور می‌توانست در همان زمان این موضوع را به آنها متذکر شود. در حال حاضر نیز

گروههای سیاسی دیگری، چه از جناحهای درون حاکمیت و چه خارج از آن، وجود دارند که بدون دریافت پروانه از وزارت کشور مشغول فعالیت هستند.

* * *

جناب آقای رئیسی

امیدواریم که این تذکرات، که صرفاً بر اساس وظیفه شرعی امر به معروف و نهی از منکر و نیز وظیفه قانونی (بر طبق اصل هشتم قانون اساسی)، داده شده، مورد توجه واقع شده و موارد خطا و اشتباه عاجلاً و به طور جدی اصلاح گردد.

()

نهضت آزادی ایران

۱۳۷۰/۷/۲۷